

از مکتب مسافت‌های طولانی و با وجود اینکه در این مکتب، سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم جدید و نوین در ادبیات اجتماعی و اقتصادی مطرح شده است، اما در ادبیات علمی و پژوهشی، سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم جدید و نوین در ادبیات اجتماعی و اقتصادی مطرح شده است.

در ادبیات علمی و پژوهشی، سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم جدید و نوین در ادبیات اجتماعی و اقتصادی مطرح شده است. سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم جدید و نوین در ادبیات اجتماعی و اقتصادی مطرح شده است. سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم جدید و نوین در ادبیات اجتماعی و اقتصادی مطرح شده است.

## تئوری سرمایه اجتماعی: پیامدهای آن برای توسعه اقتصادی و اجتماعی

دکتر کیان تاجبخش / بهناز اسدی کیا

### چکیده

سرمایه اجتماعی که به شکلی انعطاف پذیر (و در مواردی گمراه کننده) بر استعاره «سرمایه» (یعنی پول) قرار گرفته به عنوان منبعی که ممکن است افراد، گروهها یا مکانها برای نیل به نتایج مطلوب آن را «سرمایه گذاری» کنند، قلمداد می شود. علی‌رغم این استعاره اقتصادی، سرمایه اجتماعی اغلب به عنوان جوهره یا بنیان جامعه مدنی، فرهنگهای سیاسی دمکراتیک یا یک «حس اجتماعی» خوانده می شود.

تئوری سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم سازمان دهنده نافذ در ادبیات توسعه اقتصادی و اجتماعی ظاهر شده است. اگر چه استفاده وسیع و عمومی آن در زمینه‌های تحقیقاتی مختلف در

ارائه این مفهوم با دقت کمتر، اثر داشته اما کمک آن به تئوریهای توسعه اقتصادی و اجتماعی از آنچه می توانست باشد، کمتر بوده است.



### ۱- مقدمه

سرمایه اجتماعی مفهومی است که در بسیاری موارد توسط تحلیلگران اجتماعی برای توضیح طیف وسیعی از فرآیندهای اجتماعی بکار می رود. تئوری اجتماعی به یک دسته فرضیه ها و مفروضه های متنوع و بسیار متفاوت اشاره می کند که به مکانیسم های اساسی در مورد نهادها و شبکه های اجتماعی مربوط می شود و به درک علت این امر که چرا برخی افراد، گروه های مردم یا مکانها (از جمله محله ها، شهرها، مناطق) به نتایج سیاسی یا اقتصادی مثبت تری نسبت به دیگران نایل می شوند، کمک می کند. شبکه یا اساس فعل و انفعالات تئوری سرمایه اجتماعی که برای جوابگویی به علت تنوع پیامدهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایجاد شده است، حتی در مواردی که به افراد منتسب می شود (مانند تئوری سرمایه انسانی) شبیه به هم هستند اما میزان موفقیت آنها متفاوت است. این فرضیه اساسی در وسیعترین معنی خود این است که سرمایه اجتماعی بیشتر، منجر به «ظرفیت» اجتماعی بیشتر می شود که به نوبه خود نتایج مثبتی را به دنبال دارد. برعکس، سرمایه اجتماعی کمتر به نتایج مطلوب کمتری می انجامد.

هم مفهوم سرمایه اجتماعی و هم مدل های تحلیلی توسعه اجتماعی که بر مبنای آن شکل گرفته، نیازمند توضیح می باشند. ادبیات، مفهوم سرمایه اجتماعی را در چندین بعد مختلف بکار می گیرد. علاوه بر این، تئوریهای توسعه اقتصادی و اجتماعی متکی بر مفروضاتی در مورد ارتباط سببی (علی) بین این ابعاد با سطوح مختلف هستند. در مواردی سرمایه اجتماعی برای توصیف مشخصات افراد مثل تمایل آنها در وارد شدن به انجمن های داوطلبانه ملی مورد استفاده قرار می گیرد. و در مواقعی به گروهها و سازمانها اشاره می کند، در حالیکه در سایر موارد به ویژگیهای مکانها اشاره دارد (شناخته شده ترین مورد، یک منطقه در شمال ایتالیا با سنتهای آن است) هر چند در اکثر موارد درک این ابعاد و فروض علی مشکل نیست، اما بررسی تجربی آن بسیار مشکل است. در بحث زیر استدلال شده که می توان ۶ بعد مختلف را که در آن مفهوم سرمایه اجتماعی



توسط محققان و دانش پژوهان بکار برده شده، تمیز داد. با بیان هر یک از ابعاد به برخی یافته‌های تجربی اشاره می‌شود. سپس روابط بین این سطوح مورد بحث قرار گرفته و با تنظیم طرحی چند سطحی و ترکیبی برای مطالعه توسعه اقتصادی و اجتماعی نتیجه‌گیری می‌شود.

### توضیح سرمایه اجتماعی

مرور آثار نشان می‌دهد که مفهوم (ایده) سرمایه اجتماعی دارای ۶ بعد تحلیلی مرتبط هر چند متمایز می‌باشد. بر خلاف اکثر تلقی‌های موجود از تئوری سرمایه اجتماعی که بر انسجام گروهی و درگیری اجتماعی به عنوان پیش شرط اصلی نتایج مثبت توسعه متمرکز می‌باشند، فرض مدل پیشنهادی من این است که چندین پیش شرط مختلف برای نیل به نتایج مطلوب وجود دارد که دامنه آنها از عناصر مربوط به ویژگی‌های افراد، تا ویژگی‌های گروه‌های اجتماعی، سازمانها و در سطح وسیعتری، تا مضمون اقتصاد سیاسی تغییر می‌کند. یک مدل ترکیبی لازم است که دیدگاه‌های مختلف را با هم تلفیق کند. این ۶ بعد عبارتند از:

۱- آگاهی

۲- اعتماد و انتظار همکاری متقابل

۳- مشارکت

۴- قابلیت سازمانی

۵- همکاری سازمانی

۶- همکاری بین سازمانی

### آگاهی

در یک مطالعه جدید توسط Federal Enterprise Community از ساکنین محله دلاور Delaware سؤال شد که آیا آنها از طرح‌های این انجمن حمایت کرده‌اند. این بررسی نشان داد که گرچه بسیاری از ساکنین متعلقه مورد نظر به این طرحها علاقمندند اما هیچ نظری در مورد انجام آن در محله خود ندارند؛ بر طبق این بررسی، نسبت بالایی از ساکنین مورد نظر، اطلاعات کمی هم در مورد این برنامه‌ها و نیز اثر بالقوه آن بر محله

خود داشتند. همچنین مطالعات مختلف و گزارشهای منتشر نشده نشان داده که بسیاری از مردم حتی اگر کاملاً از مشکلات اجتماعی مبتلابه اجتماع یا محله خود مطلع نباشند، اما اطلاعات بسیار کمی راجع به آن دارند.

این یافته‌ها بر این دلالت دارند که پیش شرط اولیه برای مشارکت اجتماعی، «آگاهی» است. یک متغیر معرفتی متعلق به افراد است. جایی که افراد از ماهیت مسایل اجتماعی آگاه نمی‌شوند، یا از برنامه‌های موجود که جوابگویی به این مشکلاتند بی‌خبرند، فرصتهای مشارکت اجتماعی و حس قوی اجتماعی یا ذخیره سرمایه اجتماعی هم پائین‌تر خواهد بود. همانطور که بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند دسترسی به اطلاعات واقعاً (یا حتی به میزان زیاد) منعکس‌کننده تواناییهای معرفتی افراد نیست، اما توسط متغیرهای جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی شکل می‌گیرد.

### اعتماد و انتظارات مثبت

جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان شهری ثابت کرده‌اند که در محله‌هایی که خشونت، جنایت، و وحشیگری پلیس یا نژادپرستی وجود دارد افراد کمتری در CDCs, CBOs یا سازمانهای داوطلبانه شرکت می‌کنند. بطور کلی می‌توان پیش‌بینی کرد جایی که هزینه‌ها هم از نظر امنیت شخصی و هم از نظر زمان و تلاش بشدت بالاست، افراد اعتماد کمتری به مؤثر بودن اقدامات خود در آن محیط خواهند داشت.

همچنین تعداد زیادی از دانشجویان رشته توسعه اجتماعی و سیاست شهری در امریکا گزارش می‌دهند که بسیاری از ساکنین به خصوص در محله‌های خیلی فقیر، به توانایی (یا حتی صداقت) سیاستگذاران شهری برای ایجاد تغییرات مهم در محله‌های فقیر، اعتماد ندارند. این بدبینی نتیجه چند عامل است: سابقه ضعیف از اقدامات فدرال در مهار فقر شهری، عمیق‌تر شدن فلاکت اقلیت فقیر در محله‌های شهری علی‌رغم گذشت سه دهه از این اقدامات، فاصله و بیگانگی ساکنین محله‌ها از نخبگان سیاسی محلی که مایل می‌باشند به مسایل تجاری مرکز شهر توجه کنند، فقدان اعتماد نسبت به توانایی یا انگیزه سایر بازیگران اصلی منجر به یک بازی استراتژیک (مثل معمای زندانی) می‌شود که در آن انگیزه انجام ابتکارات ضعیف است و درجه طرد شدن نسبتاً بالاست. (یعنی هر چه افراد کمتری مشارکت کنند، سطوح سرمایه اجتماعی پائین‌تر



است) می توان گفت که هر دو بعد اعتماد یعنی امنیت شخصی و انتظار همکاری و سود متقابل، مستقلاً با تغییر اولین بعد (آگاهی)، تغییر خواهند کرد.

### مشارکت اجتماعی

سومین سطح، مشارکت واقعی افراد در سازمانهای تولیدکننده سرمایه اجتماعی (مثل انجمنهای شهری)، بعدی است که بیشترین توجه را در ادبیات علوم سیاسی و نظریه دمکراتیک به خود جلب کرده است.

بکار بردن عبارت سازمانهای تولیدکننده سرمایه اجتماعی که عبارت زیبایی نیست برای نشان دادن این حقیقت است که همه سازمانها از نظر تئوریک، برای تولید سرمایه اجتماعی صلاحیت ندارند. انجمنهای عمومی که در آن عضویت، داوطلبانه و آزاد است و مأموریت و اهداف سازمان به جای نخبگان توسط کلیه اعضا تعیین می شود و شیوه تعاملات اعضا بر مبنای ارتباطات زبانی است تا حق عضویت، مناسب تولید سرمایه اجتماعی هستند. همانطور که دیدیم دو بعد اول، پیش شرط لازم بوده، اما برای اثرگذاری بر میزان نتایج کافی نیستند. از این رو درجه مشارکت، در نتیجه کارکرد آگاهی و اعتماد و انتظارات همکاری تا اندازه ای تغییر خواهد کرد. به علاوه اندازه و ماهیت مشارکت اجتماعی هم در نتیجه عملکرد نوع سازمان موجود در یک محله معین، می تواند تغییر کند. برای مثال میزان مشارکت ساکنین در چهار انجمن محلی (در امریکا) با یکدیگر مقایسه شده و اختلافات اصولی بین آنان یافت شده است.

یک فرض دیگر در آثار موجود این است که هرچه درجه مشارکت ساکنین بالا باشد، درجه قابلیت سازمانی هم بیشتر خواهد بود: سرمایه اجتماعی بیشتر منجر به مشارکت بیشتر می شود که آن هم به ظرفیت سازمانی بالاتری می انجامد. تا به حال مطالعات متعدد نشان داده است که CDCs, CBOs در مواجهه با معیار دقیق سازمانهای تولیدکننده سرمایه اجتماعی موفق نبوده اند: آنها نماینده حوزه انتخاباتی کسانی که به آنها خدمت می کنند، نیستند؛ آنها مشارکتی نیستند زیرا توسط کارمندان یا هیئت رئیسه اداره می شوند. بنابراین وجود CDCs, CBOs و انواع دیگر اجتماعات برای ایجاد مؤثر به سرمایه اجتماعی کافی نیست. این بدان معنی است که ما بایستی در مورد ارتباط بین

مشارکت، نوع سازمان و قابلیت سازمانی بیاندیشیم. (لازم به ذکر است معیاری که در اینجا برای قابلیت سازمانی استفاده می‌شود از لزوم تشکیل سرمایه اجتماعی گرفته می‌شود؛ سازمانها بدون مشارکت دادن ساکنین یا بالا بردن اعتماد و مهارت‌های شهروندی می‌توانند از نظر استراتژیک مؤثر باشند، اما اینجا با این نوع سازمانها سروکار نداریم) یک وجه مسئله این است که در مطالعات توسعه اجتماعی، مشارکت اجتماعی تا اندازه‌ای می‌بایست به عنوان یک متغیر وابسته در نظر گرفته شود تا یک متغیر مستقل مشمول منشأ سرمایه اجتماعی. در حقیقت پیوندهای علی، واقعاً پیچیده هستند و به سادگی اجرا (عملیاتی) نمی‌شوند؛ به عنوان مثال در حالیکه اعتماد و آگاهی بیشتر می‌بایست منجر به مشارکت اجتماعی بیشتر شود، مشارکت اجتماعی در سازمانهای تولیدکننده سرمایه اجتماعی به نوبه خود بایستی موجب رشد آگاهی و اعتماد گردند. این بعد مشارکت اجتماعی را می‌توان به عنوان پلی بین ابعاد فردی سرمایه اجتماعی (ابعاد ۱ و ۲) و ابعاد سازمانی تلقی کرد.

### همکاری سازمانی

یکی از یافته‌های اصلی تحقیق اخیر این بوده که سازمانهای اجتماعی که خودشان کارآمد هستند (یعنی نسبت بالایی از افراد مناسب را بکار می‌گیرند و به طور دمکراتیک اداره می‌شوند) لزوماً این ویژگیهای مثبت سازمانی را به ظرفیت حل مؤثر مشکلات منتقل نمی‌کنند. بسیاری از CDCs, CBOs کوچکند، از نظر منابع (پول و کارمند) بسیار فقیرند، به تخصصهای مورد نیاز دسترسی ندارند، و ظرفیت آموزش سازمانی پایینی دارند (به خاطر تغییر کارمندان) و نمی‌توانند از عهده مشکلات پیچیده‌ای (چند ریشه‌ای) که در محله با آن مواجهند یا موکلینشان با آن روبرو هستند، برآیند. برای مثال مؤسسات خدمات اجتماعی به موکلینی خدمت می‌کنند که مشکلاتشان اشتغال، بهداشت، مسکن و غیره است؛ و برای حل مشکل افراد مهار همه اینها لازم است. اما بسیاری از سازمانها برای پیشبرد اقدامات جامع و یک پاسخ منطقی به مشکلات چند بخشی، بسیار بد تجهیز شده‌اند. CDCs, CBOs شبکه یا روابط متقابل خود با سایر CDCs را به عنوان راهی برای مؤثر کردن و افزایش ظرفیت سازمانی خود، بیش از آنچه برای هر سازمان منفردی وجود دارد، توسعه می‌دهند.



اهمیت و ضرورت این شبکه‌ها با مرزهای در حال گسترش، که اخیراً توسط هاریسون و ویس مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته، این حقیقت را تقویت می‌کند که سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف همزمان عمل می‌کند. البته تحقیقات در مورد این شبکه‌های اجتماعی و پیش شرط‌هایی برای همکاری متقابل و تشریک مساعی فقط در مرحله ابتدایی است. معذک پیامد پیشرفتهای موجود این است که اگر سرمایه اجتماعی که در سطوح قبل ایجاد شده است، به صورت برنامه‌های کارآمد و مؤثر عملی شوند، آن زمان همکاری سازمانی به معنی شبکه‌های سازمانها به علاوه شبکه‌های اجتماعی افراد، در تبدیل ظرفیت اجتماع به صورت اجتماعات و برنامه‌های مؤثر، یک عنصر لازم است اگر چه باز هم کافی نمی‌باشد.

### همکاری بین سازمانی

تحقیقات اخیر (گیتل ۱۹۹۸) شواهدی ارائه داده است که در فقدان حمایت نهادینه از نخبگان حکومت محلی و نخبگان اقتصادی محلی، پیوندهای قوی بین ساکنین و سازمانهای اجتماعی برای اطمینان از موفقیت اهداف توسعه اجتماعی کافی نیستند. این یک نمونه از یافته‌های کلی تر دانشمندان سیاست شهری است که «ظرفیت اجتماعی» نه فقط نیازمند اراده تک‌تک شهروندان برای آگاهی و مشارکت اجتماعی است و نه فقط نیازمند وجود CDCs, CBOs کارآمد است، بلکه نیازمند کشاندن صاحبان منافع مرکزی به اقتصاد سیاسی محلی است. این بازیگران شامل شهرداران، حکومت‌های محلی، بنیادها، اتحادیه‌های کارگری، بانکها و (سیال‌ترین آنها) کارآفرینان و کارفرمایان هستند. استون (۱۹۸۶) برای مثال چنین استدلال کرده که بسیار مهم است بین مراحل طرح و اجرای سیاست شهری تمایزی قایل شویم. یک رژیم کارآمد رژیم است که بتواند با جلب همه بازیگران اصلی، اجرای سیاست شهری را تضمین کند. تئوری سرمایه اجتماعی از توسعه اقتصادی و اجتماعی بر مبنای این فرض است که اگر سطوح ۱ تا ۵ قوی باشند، نخبگان سیاسی و اقتصادی محلی می‌توانند بیشتر نسبت به نیازهای اجتماع پاسخگو و مسؤول باشند تا در مواردی که افراد بی تفاوت یا جاهل هستند و یا جایی که دورنمای نهادینه‌ای وجود نداشته باشد. آقای یکریس والکر از مؤسسه شهری، مدلی از اشتراکات محلی بصورت یک بازی استراتژیک (معمای زندانی) ارائه کرده که در آن

تصمیمات بازیگر برای همکاری یا طرد شدن، از یک سری عوامل و محرکه‌هایی تأثیر می‌پذیرد. با استفاده از این مدل به نظر می‌رسد فرضیه این باشد که ظرفیت سازمانی و محله‌ای بیشتر (که مثل هم نیستند)، هزینه‌های مطرود شدن را افزایش خواهد داد و ضرورت ائتلاف برای اجرای سیاستها را حفظ می‌کند. لازمه دموکراسی قوی، ورودی‌های قوی است تا روشنگریهای بیشتر و سیاستهای جهت دار اجتماع را تضمین کند. «رهبری» واژه‌ای که به طور سطحی استفاده می‌شود، نمایی از سطوح قبلی است. ائتلافات در سطح شهر (آنچه را که تشریک مساعی بین سازمانی می‌نامم و کمتر از همکاری مبرم است) برای تحقق پتانسیل کامل سرمایه اجتماعی جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی لازم است. درجه تشریک مساعی در این سطح همراه متغیرهای متعدد تغییر خواهد کرد. معمول‌ترین آن، وضعیتی است که در آن سوداگران به خاطر انگیزه‌های کسب سود و فشارهای رقابتی از صحنه محلی کنار می‌روند. آقای پیترسون معتقد است جایی که حکومت ملی هزینه سیاستهای توزیع مجدد محلی را متعهد می‌شود، با ایجاد سیاست شهری با ثبات، آسانتر و بیشتر مؤثر (به خاطر اثرات جابه‌جایی و عدم اشتغال) فشار برای طرد شدن کاهش می‌یابد. مسلماً متغیرهای دیگری هم وجود دارد که می‌تواند بر تغییرات مؤثر باشد.

بار دیگر ارتباطات، علی، چرخشی و چند سطحی هستند: اگر سرمایه اجتماعی، در سطوح ۱-۴، سیاستهای شهری را بهتر حمایت و تشویق کنند، آن موقع همکاری و تشریک مساعی بیشتر، به نوبه خود به آگاهی، اعتماد، مشارکت و قابلیت سازمانی بیشتر کمک می‌کند. البته این یک نظریه است و برای شرح دقیق شرایطی که از این نتیجه جلوگیری می‌کنند، روی متغیرها و عوامل مسئول آن تأکید کرده‌ام.

یک برنامه تحقیقاتی برای بررسی تغییرات تعیین کننده سرمایه اجتماعی را می‌توان با مدل زیر شروع کرد:



ابعاد (که بوسیله متغیرهای روبرو تغییر می کند)	متغیرهای اقتصادی-اجتماعی	متغیرهای جمعیتی	نوع سازمانها	سایر متغیرها
آگاهی				
اعتماد				
مشارکت				
قابلیت سازمانی				
همکاری سازمانی				
همکاری بین سازمانها				

ارتباط علی بین خانه های این جدول می تواند پیچیده شود.

### نتیجه گیری:

- \* لازم است سرمایه اجتماعی را توضیح داد: سرمایه اجتماعی یک مفهوم چند بعدی است، که شامل چند بعد نسبتاً مستقل یا مشروط است.
- \* مدل سرمایه اجتماعی، مدل خطی ضعیفی است. هر سطح، یک شرط لازم است اما شرط کافی برای سطح بعدی نیست. در عین حال رسیدن به یک سطح به پیشبرد ابعاد قبلی کمک می کند.
- \* برای درک تغییرات در هر یک از ابعاد فردی، سازمانی و بین سازمانی، لازم است این متغیرها در یک مدل گنجانده شوند و ارتباط بین آنها مطالعه شود.
- \* مدل رهبری (نابتی ۱۹۹۸) که در آن سرمایه اجتماعی از طریق قانونگذاری یا اقدامات قوه مجریه (مثل شهرداران) ایجاد می شود، نمی تواند تشکیل سرمایه اجتماعی را تضمین کند.